

مقدمه:

همانطور که ذکر آن رفت مراحل رشد براساس سه دوره سیادت و اطاعت و وزارت تقسیم بندی گردید. در شماره قبل اهم خصوصیات انواع رشد کودک در دوره سیادت (قبل از دبستان) مطرح گردید. در این شماره به یاری خداوند متعال به بیان اهم خصوصیات رشد در دوره دوم (از ۷ تا ۱۴ سالگی) و دوره سوم (از ۱۴ تا ۲۱ سالگی) می پردازیم. باشد تا خداوند مقام رشد را به همه معلمان و مربیان و مربیان عنایت فرماید. لازم به تذکر است که خصوصیات رشد در دوره های مختلف بطور فشرده و مختصر مورد بحث و بررسی قرار گرفته و اهم آنها مطرح گردیده است و امید آنست که مربیان و معلمان عزیز با ذهن فعال خود به بسط و گسترش این موارد همت گمارند.

رضانوری



خصوصیات دوره دوم رشد (از هفت تا ۱۴ سالگی)

این دوره از هفت سالگی شروع می شود و تا سنین قبل از بلوغ ادامه پیدا می کند. در این دوره کودک وارد مرحله جدیدی از زندگی خود می شود. معمولاً در ابتدای این دوره کودک به آموزشگاه و دبستان قدم می گذارد. این دوره بطور کلی دوره ثبات و آرامش و سازگاری به شمار می رود و کودک بیش از هر زمانی روحیه همکاری دارد. این دوره خود به دو بخش دبستان (۷ تا ۱۱ سالگی) و راهنمایی (۱۱ تا ۱۴ سالگی) تقسیم می شود. که در این دو بخش کودک به لحاظ رشد جسمانی و رشد روانی دارای خصوصیات متمایزی می باشند که به شرح آن خواهیم پرداخت.

دوره دبستان (۷ تا ۱۱ سالگی):

خصوصیات مهم رشد در این دوره عبارتند از:

۱ - رشد جسمانی - به لحاظ رشد جسمانی کودک در این دوره سالم ترین و متعادل ترین وضع خود را می گذراند. کودک از سلامتی و نیروی جسمانی سرشاری برخوردار است. کمتر بیمار می شود و خیلی زود رفع خستگی می کند و از خواب خوبی برخوردار است. میزان مرگ و میر در این دوره از زندگی نسبت به پنج سال اول زندگی یک پنجم و نسبت به سنین بین بیست و سی سالگی نصف است. کودک در این دوره از اشتها و تغذیه زیادی برخوردار است و بعلاوه تغذیه خوب کالری فراوانی در بدن کودک تولید می شود. در این دوره دستگاه بدن

ملاحظات پیرامون روانشناسی رشد

* در دوره جوانی و بلوغ والدین

و مربیان و معلمان باید هم موجبات تصمیم گیری

و مسئولیت پذیری را برای جوان فراهم سازند

و هم از طرفی برای

اوف نقش مشورت و راهنمایی خود را حفظ نمایند.

چنان منظم است که کودک از یک درجه حرارت متعادل در گرما و سرما در هرگونه شرایط آب و هوایی برخوردار است. بطور کلی در این دوره رشد جسمانی کودک نسبت به مراحل قبل و بعد سرعت کندتری دارد و کودک دارای یک وضعیت نسبتاً متعادل جسمانی می باشد نه مانند دوره اول با حوادث متعدد رشد جسمانی روبروست و نه مانند دوره سوم (بلوغ) با تحولات عظیم جسمانی دوره بلوغ روبرومی باشد.

۲ - آرامش و ثبات عاطفی -
رشد روانی کودک در این دوره همانند رشد جسمانی او می باشد. کودک در این دوره از یک ثبات و آرامش و سازگاری خوبی برخوردار است. در این دوره کودک غرق نشاط و خوش بینی است. به همه ابراز علاقه می کند. روحیه همکاری کودک در این دوره به اوج خود می رسد. بی تردید یکی از دلایل مهم برای این آرامش و ثبات روحی همانطور که ذکر شد این است که در این دوره حوادث جسمانی چندان گسترده ای (مانند دوره قبل) برای کودک اتفاق نمی افتد و او با تحولات وسیعی روبرو نیست که وضع روحی روانی او را برهم بزند.

۳ - رشد اجتماعی - یکی از مشخصات مهم این دوره اجتماعی شدن کودک است. کودک در این دوره به همه ابراز علاقه می کند و علاقه زیادی به معاشرت پیدا می کند. مدرسه در این دوره مهمترین نقش را (بعد از خانواده) در رشد اجتماعی کودک بازی می کند و مهمترین تحولی که در

این دوره برای کودک می توان ذکر کرد ورود او به مدرسه و اولین محیط اجتماعی خارج از خانواده می باشد. در این دوره عادات اجتماعی کودک برقرار و ثابت می شود و کودک بیش از هر زمانی به زندگی اجتماعی علاقه پیدا می کند و عواطف و هیجانات خود را به طور گسترده ای به بزرگترها نشان می دهد. در این دوره برای کودک (بخصوص پسران) رفاقت و دوستی با سایر همسالانش از اهمیت ویژه ای برخوردار است. البته رفاقت دوره دبستانی به هیچ وجه با رفاقت و دوستی دوره نوجوانی و جوانی قابل مقایسه نیست.

۴ - الگوی مهم تربیتی کودک در این دوره از بزرگترها خصوصاً معلمان و مربیان می باشند. کودک در این دوره بیش از هر زمان دیگری میل به آموختن و تعلیم پیدا می کند و تشنگی او برای علم آموزی سیراب نشدنی است. در این دوره دستگاه عصبی برای یادگیری خواندن و نوشتن رشد و کافی پیدا می کند. کودک در این دوره می خواهد معلمی و مربی داشته باشد که خوب به او بیاموزد. کودک بیش از هر زمانی در این دوره خود را در اختیار معلم و مربی قرار می دهد و چنین تصور می کند که معلم و مربی او به همه دانستنی ها آگاهی دارند و علم آنها نامحدود است. انتظار دارد که معلمان و مربیان او به همه سؤالات او پاسخ دهند و او را سیراب سازند. کودک در این دوره به معلم و مربی خود عشق می ورزد و آنها را به عنوان الگوی رفتاری خود دقیقاً مورد لحاظ و سرمش

قرار می دهند. کودک مایل است که جایای معلم و مربی خود بگذارد و آنچه که او می کند به آن عمل نماید.

۵ - ظهور مفهوم اجمالی - در این دوره به لحاظ رشد عقلی و شناختی، فکر کودک هئیت جدیدی به خود می گیرد. فکر کودک در دوره اول در هم آمیخته بود ولی در این دوره فکر کودک دارای مناسبتهای جدیدی می شود و از آن حالت در هم ریختگی بیرون می آید. شناخت کودک در دوره اول تنها محدود به محسوسات بود ولی در این دوره بتدریج کودک آماذگی آنرا پیدا می کند که با مفاهیم ذهنی آشنا پیدا کند و مقدمات درک مفاهیم غیر محسوس را پیدا کند. مفهوم زمان در این دوره برای کودک گسترده تر از دوره اول می شود. کودک در دوره قبل در زمان حال زندگی می کرد ولی در این دوره ابعاد زمانی در گذشته و آینده به تدریج برای کودک گسترده می شود. مفهوم مکان نیز برای کودک در این دوره سازمان جدیدی پیدا می کند و ابعاد آن گسترده تر از دوره قبل می شود. مفهوم عدد در این دوره به تدریج از قید محسوسات دارد. علیت در این دوره مفهوم جدیدی برای کودک پیدامی کند و رابطه علی و معلولی بین دو چیز را با قوانین منطقی در هم می آمیزد. البته باید خاطر نشان کرد که این مفاهیم هنوز وسعت انتزاعی خود را پیدا نکرده و هنوز به صورت مفاهیمی کلی در ذهن جای نگرفته اند و از اینرو به آن نام مفهوم اجمالی را نهاده اند.

۶ - قدرت حافظه - قوه حافظه کودک در این دوره خصوصاً از ۹

سالگی به سرعت توسعه می یابد. کودک دبستانی می تواند تقریباً همه چیز، حتی بی فایده ترین چیزها را در صورت تمایل فرا گیرد. در این دوره باید توجه نمود که بازی هنوز نقش اساسی را در رشد کودک بازی می کند ولی شکل بازی نسبت به دوره قبل تغییر یافته است. کودک در دوره اول از راه بازی راه رفتن را یاد می گیرد ولی در این دوره کودک از راه بازی از برکردن و حفظ کردن را فرا می گیرد. کما اینکه در دوره بعد نیز کودک از طرق بازی با استدلال آشنا خواهد شد. حافظه سمعی و بصری در این دوره در کودک پدیدار می شود. در این دوره کودک بسیار تلقین پذیر است و در کسب معلومات پیشرفتهای سریعی از خود نشان می دهد.

۷ - رشد اعتقادی - در این دوره رشد اعتقادی کودک می بایست بر مبنای رشد شناختی و عاطفی کودک صورت گیرد. در ابتدای این دوره هنوز باید مانند دوره اول او را مسائل محسوس و عملی دین روبرو ساخت و عادت داد. کودک را باید به تمرین و به تدریج به نماز و روزه عادت داد (البته این تمرین و تدریج باید از دوره اول حتی از سه و چهار سالگی شروع شود). بر طبق احادیث اسلامی در رشد اعتقادی کودک باید ظرفیت روانی و عقلانی او را ملاحظه نمود و بعد از هر مرحله از آموزش باید مدتی به او مجال و فرصت داد تا او هم فرصت آموختن مطالب جدید را پیدا نماید و هم فرصتی برای آمادگی ذهنی برای آموختن مطالب

جدید پیدا نماید. روایت از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام است که می فرماید: وقتی کودک به سن ۳ سالگی رسیده وی بگوهفت بار لا اله الا الله بخواند. بعد او را تا سن ۳ سال و هفت و ماه بیست روز به حال خود واگذار. آنگاه به او باید تعلیم داد تا هفت بار محمد رسول الله بگوید و بعد تا چهار سالگی او را رها کن و در آنوقت به او بگوهفت بار صلی الله علیه وآله بگوید. تا ۵ سالگی او را رها کن. در آن موقع اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد او را در برابر قبله قرار دهد تا سجده نماید. تا ۶ سالگی او را رها کنید. و در آن موقع رکوع و سجود را به او بیاموزید و وقتی هفت ساله شد در این سن به او بیاموزید که دست و صورت خود را بشوید و وضوء بگیرد و نماز بخواند و سپس باید او را به حال خود وا گذاشت تا ۹ سال اتمام شود. در این وقت وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و اگر ترک کرد تنبیه گردد و به نماز فرمائش دهید.

همانطور که ملاحظه می شود این حدیث شریف تمام نکات روانی و شناختی کودک را خاطر نشان فرموده است که اهم این نکات عبارتند از:

- ۱ - آموزش عملی مسائل اعتقادی (اصول دین و فروع دین بطور عملی و ملموس به کودک آموخته شود)
- ۲ - مجال و فرصت دادن بین هر مرحله از آموزش (که کودک هم آموزش قبلی برای او ملکه گردد و هم آمادگی ذهنی برای آموزش بعدی پیدا نماید).
- ۳ - آموزش متناسب با ظرفیت

*** کودک دبستانی چه به لحاظ جسمانی و به چه لحاظ روانی آرامترین و متعادلترین دوران خود را می گذراند و لذا بهترین دوره برای تعلیم و تربیت این دوره می باشد.**

عقلی (حدیث در مرحله ۵ سالگی می فرماید که دست راست و چپ خود را تشخیص داد او را در برابر قبله قرار ده)

۴ - تکرار و تمرین و تدریج (ذکر هفت بار شاید اشاره به مسئله تکرار و تمرین آموزش برای کودک باشد و اینکه از ۳ تا ۹ سالگی باید مرحله و قدم به قدم آموزشها را بیشتر نمود شاید اشاره به امر تدریج باشد).

۸ - میل به فعالیت و رقابت با همسالان - کودک دبستانی در این دوره شیفته فعالیت است فعالیت کودک ناشی از شور و نشاط مخصوص این دوره است و این فعالیت به صورت گوناگون نمایان می شود. کودک در

این دوره بسیار مایل است که برای بزرگترها کارهایی انجام دهد و روحیه همکاری و اطاعت از بزرگترها در این دوره به بیشترین میزان خود دیده می‌شود. کودک در این دوره در عین حال با همسالان خود نیز ارتباط و همکاری دارد ولی البته این همکاری توأم با رقابت است. در دوره قبل برای کودک در بازی خود با همسالانش مسئله برنده شد و نتیجه بازی مهم نبود ولی در این دوره این مسئله اهمیت پیدا می‌کند.

۹ - وجدان اخلاقی - ارزشهای اخلاقی در این دوره اهمیت زیادی برای کودک پیدا می‌کند. مفاهیمی مانند عدالت و انصاف و راستی و صداقت و ویژگی خاصی برای کودک پیدا می‌کنند. کودک در این دوره علاقمندی بسیاری نشان می‌دهد که این مفاهیم را در خود متجلی سازد و در عین حال بسیار دوست دارد که این ویژگیها را در بزرگترها و اطرافیان خود نیز مشاهده نماید. بهترین دوره برای آموزش مستقیم ارزشهای اخلاقی در این دوره می‌باشد.

۱۰ - هویت جنسی - در این دوره است که نقش مرد بودن و یا زن بودن و آمادگی برای عهده دار تکالیف متناسب با نقش جنسی به طور واضح ظاهر می‌گردد. دختر مایل است که نقش و تکالیف متناسب با جنس خود را ایفا نماید و پسر نیز به ایفای نقش و تکالیف متناسب با جنس خود علاقمندی زیادی نشان می‌دهد. در این دوره است که می‌بایست نظام تعلیم و تربیت، آموزشهای خود را متناسب با

جنس دختر و پسر به آنها بدهد. مسلماً محتوای کتابها، می‌بایست متناسب با جنسیت دختر و پسر تنظیم و برنامه ریزی گردد. و همانطور که گفته شد از آنجایی که معلم و مربی در این دوره الگوی رفتاری و ویژه‌ای برای کودک می‌باشند متناسب با جنسیت کودک معلم و مربی او نیز باید از همان جنس باشد (خصوصاً از ۹ تا ۱۱ سالگی)، تا بدرستی بتواند نقش و تکالیف جنسی صحیح را به کودک بیاموزد و الگوی مناسبی برای او واقع شود.

دورهٔ راه‌نمایی (از ۱۱ تا ۱۴ سالگی):

مهمترین خصوصیات رشد در این دوره عبارتند از:

۱ - رشد جسمانی - اولین نشانه‌های بلوغ در این دوره ظاهر می‌شود. البته آثار بلوغ در دخترها و پسرها فرق می‌کند (این سنین برای دخترها دورهٔ بلوغ به شمار می‌رود و برای پسرها دورهٔ مقدماتی بلوغ می‌باشد). یکی از مشخصات رشد جسمانی در هر دوره‌ای از رشد توازن و هماهنگی می‌باشد. جسمانی تا حدودی به هم می‌خورد. در این دوره استوانها از رشد سریعی برخوردار هستند ولی رشد عضلات با آنها هماهنگی لازم را ندارد و لذا نوعی بی‌تناسبی در اندامهای کودک دیده می‌شود. و این مسئله تا حدودی ظرافتهای جسمانی کودک را تحت الشعاع قرار می‌دهد. زیبایی کودکان رفته رفته تبدیل به خصوصیات جسمانی بزرگترها

می‌شود در این دوره رفتارهای جسمانی مانند نوشتن، دویدن، بازی کردن، نقاشی کردن تا حدودی ظرافت‌های مربوط به آنها تحت الشعاع قرار می‌گیرد.

۲ - رشد عاطفی - این دوره را بعضی دورهٔ نگرانی بلوغ نامیده‌اند زیرا کودک در این دوره در حالت انتظار برای بلوغ بسر می‌برد و این مسئله ممکنست نوعی تشویق و نگرانی را به همراه بیاورد. در این دوره مربی دیگر نه کودک است و همانند کودکان می‌باشد و نه اینکه به مرحلهٔ جوانی و بزرگسالی رسیده است. زمانی دیگران او را کودک خطاب می‌کنند و او را از رفتارهایی مانند بزرگترها منع می‌کنند و زمانی او را بزرگ خطاب می‌کنند و از رفتارهای کودکانه منع می‌کنند نوجوان (در این مرحله دیگر باید او را نوجوان نامید نه کودک) در این مرحله بطور مداوم با اینگونه رفتار چه در محیط خانواده و چه در محیط مدرسه و اجتماع روبرو می‌شود و همین مسئله ناراحتی و نگرانی خاصی برای او بوجود می‌آورد. لذا این دوره را باید برزخ بین دورهٔ کودک و جوانی نامید.

از آنجایی که رشد جسمانی کودک حالت تعادل و توازن خود را تا حدودی در این دوره از دست می‌دهد باید این انتظار را نیز داشت که نوجوان در این مرحله مانند دورهٔ دبستان از آن آرامش و ثبات عاطفی برخوردار نباشد. البته در این دوره گاه نوجوان مانند دورهٔ دبستان حالت اطاعت و همکاری دارد ولی گاه حالت عصیان و بی‌ثباتی عاطفی در او دیده می‌شود.

۳ - الگوی تربیتی و رفتاری کودک خصوصاً در اوایل این دوره هنوز معلمان و مربیان می باشند و این الگوی تربیتی در این دوره اهمیت خاص خود را حفظ نموده است ولی اولین جوانه های پیوستن به گروه همسالان در این دوره پیدا می شود ولی نوجوان در این مرحله هنوز آن پیوستگی شدید و تعلق را مانند دوره سوم به گروه پیدا نکرده است. این دوره اهمیت خاصی برای تعلیم و تربیت داد. معلمان و مربیان آگاه بیش از هر زمانی باید در این دوره این دوگانگی های رفتاری را در کودک تشخیص و در حل این تعارضات رفتاری به او کمک نمایند.

۴ - رشد شناختی - در این دوره مفاهیم استدلالی و برهانی بتدریج برای نوجوان مطرح می شود. در این دوره نوجوان قادر است مفاهیم کلی را درک نماید. البته در این دوره رفتار نوجوان بیشتر حالت عاطفی دارد تا شناختی و عقلی.

خلاصه آنکه این دوره حلقه متصل بین دوره دبستان و دبیرستان می باشد و نوجوان در این مرحله هم از خصوصیات رفتاری کودک دبستانی برخوردار است و هم خصوصیات رفتاری جوان و دبیرستانی را دارا می باشد. گاه مانند کودک دبستانی رفتار می کند و گاه رفتاری مانند بزرگترها از خود ظاهر می سازد. نکته ای که در اینجا قابل ذکر است اینکه ممکنست نوجوانی در این مرحله رشد جسمی اش از سایرین سریعتر بوده و ظاهری مانند یک بزرگسال را داشته باشند ولی باید توجه

نمود که این نوجوان به لحاظ عاطفی و شناختی هنوز رشد کافی را پیدا ننموده است و بنابراین باید از این لحاظ مورد توجه قرار گیرد. به هر صورت سنین راهنمایی دوره بسیار حساسی برای هرفرد انسانی به شمار می رود. و حساسیت آن از این جهت است که برای کودک اولاً به لحاظ رفتاری ابهام وجود دارد و نقش خود را به عنوان یک کودک یا بزرگ در تلامطم می بیند، و ثانیاً تغییرات بلوغ هم برای او از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است و هم اینکه از این تغییرات حالت نگرانی و بیمناکی دارد. در این دوره است که مربیان و معلمان نقش حساسی در راهنمایی کودک در جهت صحیح به عهده دارند و راهنمای بسیار خوبی برای او می توانند باشند.

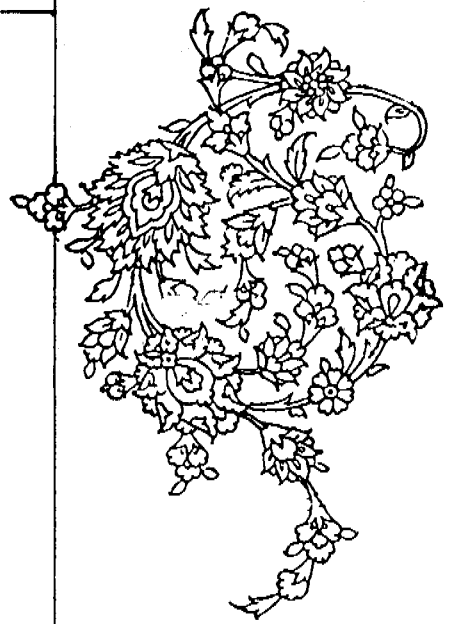
خصوصیات دوره سوم رشد (۱۴ تا ۲۱ سالگی):

مهمترین خصوصیات رشد در این دوره عبارتند از:

۱ - تحولات بلوغ در این دوره به طور کامل اتفاق می افتد و هورمونهای جنسی در این دوران فعال می گردند. جوان در این مرحله از زندگی سیمای یک انسانی بزرگسال را پیدا می کند و خود را قدرتمند می بیند. قدرت بدنی یکی از نکات قابل توجه برای فرد در این مرحله از زندگی می باشد. کودک ضعیف دیروزی امروزه بر اثر بلوغ قدرت مردانه ای پیدا کرده است. در اوایل این دوره خصوصاً جوان سعی می کند که قدرت بدنی خود را به راههای گوناگون معرض نمایش

گذارد و قدرت نمایی کند. مسلماً اگر توجه به قدرت بدنی در این دوره به شکل صحیح نشود می تواند سرمنشاء بسیاری از انحرافات رفتاری در دوره بلوغ باشد. ورزش یکی از راههای بسیار مهم برای شکل دادن صحیح به این قدرت بدنی می باشد. در مکانهای ورزشی جوان می تواند به شکل صحیح این قدرت نمایی خود را بارز سازد. و خود را از شکل انحرافی آن دور سازد.

۲ - میل به احراز شخصیت و رسیدن به استقلال - در دوره های قبل کودک بطور وابسته و اتکای به دیگران زندگی می کرده است در کلیه رفتارهای کودک پدر و مادر و بزرگترها نقش تعیین کننده را ایفاء می کردند. در این مرحله جوان گویی می خواهد که به یکباره به جای او تصمیم بگیرند و برای او انتخاب نمایند. در احادیث اسلامی از این مرحله سنی را به عنوان وزیر نام برده شده است. وزیر دو معنا می تواند داشته باشد: یکی آنکه یعنی کسی که بارسنگین حمل می نماید و دیگری معنای مشاورت و همراهی. جوان در این مرحله از زندگی براساس خلقت الهی بارسنگین حلال و حرام را بطور مستقیم باید حمل نماید و مسئولیت و تمام اعمال او پس از مرحله تکلیف در پیشگاه الهی بعهده خود او می باشد. پس به لحاظ تربیتی باید والدین و مربیان و معلمان به این ویژگی توجه خاص مبذول داشته باشند. یعنی وقتی خداوند متعال در این مرحله سنی تصمیم گیری و مسئولیت را مستقیم بردوش خود فرو می گذارد، والدین و مربیان و معلمان



*** نوجوان درسین بین ۱۱ الی ۱۴ سالگی در تعارض بین کودکی و بزرگی بسر می برد و خانواده و مدرسه گاه او را کودک و گاه او را بزرگ خطاب می کنند.**

و آمادگی کافی برای قدم گذاشتن به این دوره را دارا باشد.

۳- نیاز شدید به گروه و همسالان - در این دوره الگوی رفتاری جوان گروه و همسالان او می شوند. باید گفت در این مرحله دین جوان بر اساس رفیق و دوست تعیین می شود (المرء علی دین خلیله وقرینه). در این دوره الگوی معلم و مربی جای خود را به الگوی رفیق و دوست می دهد. جوانان در این مرحله از زندگی بر اساس علائق و نیازهای مشترکی که با یکدیگر دارند توجه خاصی به یکدیگر مبدول می دارند. در این دوره جوانان بطور طبیعی ممکنست بر اساس نیازهای مختلف خود وارد گروههای رفاقتی مختل گردند مانند: گروههای علمی، گروههای ورزشی، گروههای هنری و گروههای سیاسی و اعتقادی. در این دوره گروه برای افراد نقطه اتکای مهمی محسوب می شوند زیرا به نوجوان و جوان کمک می کند که راه خود را به عنوان یک فرد بالغ پیدا کند و به او کمک می کند تا استقلال و آزادی خود را از خانواده بدست آورد. دوستان و رفقا در این دوره نقش بسیار ویژه ای برای فرد بازی می کنند و از قدرت و نفوذ فوق العاده ای برخوردار هستند. در این دوره نوجوان سعی می کند اصطلاحات، مفاهیم، ادراکات، یادگیریها و... خود را با گروه (رفقا و دوستان) خود همساز نماید. در این دوره هم دختران و هم پسران بسیار به این نکته توجه دارند که در بین رفقا و دوستان (گروه) خود از محبوبیت برخوردار باشند و به

این محبوبیت کمال اهمیت را می دهند.

لذا باید معلمان و مربیان در این دوره نوجوانان و جوانان را در شرکت در گروههای مختلف علمی، هنری، ورزشی و... ترغیب و تشویق نموده تا بدین طریق رشد شناختی و عاطفی آنها را سرعت بخشند ولی مسلماً معلمان و مربیان و والدین باید بر تشکیل این گروههای مختلف نقش نظارت و نقش مشورتی خود را حفظ نمایند. یعنی از طرفی باید ارتباط و دوستی با همسالان را بین جوانان ترغیب نمود نه اینکه آنها را از این عمل منع نمود چون در این صورت با یک نیاز طبیعی او معارضت نموده ایم و از طرفی باید در انتخاب دوست و رفیق نقش مشورتی و راهنمایی خود را حفظ کنیم و اگر دوست و رفیق ناصالح و ناصحیحی برای او وجود داشت بالطایف الحیل سعی نمود که او خود از رفاقت با او سرباز زند و مقدمات دوستی و رفاقت سالم او را با افراد صالح و شایسته فراهم آوریم.

۴- بیداری فطرت - ویژگی مهمی که در این دوره (خصوصاً در اوایل این دوره) وجود دارد مسئله هشیاری و بیداری فطرت است درست است که در این دوره غریزه جنسی در جوان کاملاً فعال می شود ولی این به منزله آن نیست که جوان به ارزشهای اخلاقی و فرهنگی و اعتقادی بی اعتنا گردد زیرا فطرت و میل به ارزشهای اعتقادی و اخلاقی در این دوره بیدارترین زمان خود را دارا می باشد. البته ظهور مسائل فطری اعتقادی

نیز می بایست در تصمیم گیریها و عهده داری مسئولیت او را به خود او واگذار نمایند. البته این به معنای مطلق کلمه نیست و همانطور که از معنای دوم وزیر که معنای مشورت و همراهی می دهد برمی آید باید مربیان و معلمان و والدین نقش همراهی و مشورت را برای او ایفا کنند و او را در این راه همراهی نمایند. باید توجه داشت که جوان در این مرحله کودک دیروزی نیست. او باید در این مرحله بتواند بعنوان یک فرد مستقل تصمیم گیری نماید، البته می بایست کودک را از مراحل قبل برای این دوره بتدریج آماده نمود تا جوان به یکباره با خصوصیات دوره وزارت روبرو نگردد

واخلاقی بستگی به محیط و عوامل محیطی پیدا می‌کند یعنی اگر محیط امکان رشد را به فطرت و امور فطری بدهد مسلماً در جوان مسائل اعتقادی و اخلاقی شکوفایی پیدا می‌نماید و از توجه افراطی جوان به امور شهوانی و جنسی جلوگیری می‌کند.

امام علی (ع) می‌فرماید: بادروا احدانکم بالحديث قبل ان يسبقکم الهم المرجه.

جوانهایتان را به حدیث مبادرت ورزید (به احادیث و تربیت اسلامی آشنا کنید) قبل از آنکه دشمنان بر شما پیشی گیرند.

یا امام علی (ع) در نهج البلاغه در وصیت خود به امام حسن مجتبی می‌فرماید:

انما قلب الحدث كالارض الخاليه ما القى فيها من شيء قبلته فبادرتك بالادب قبل ان يقس قلبك.

قلب جوان مانند زمین خالی می‌ماند، با هر چه برخورد نماید آنرا می‌پذیرد. پس به ادب کردن تو پرداختم قبل از آنکه قلب تو دچار سختی و قساوت شود.

۵ - ظهور استعدادها - در این دوره استعداد های مختلف جسمانی و روانی در نوجوان و جوان ظاهر می‌شود. استعدادهای هنری، علمی، ورزشی، اعتقادی از هم این استعدادها هستند. ویژگی مهی که باید در این رابطه ذکر شود اینست که نوجوان و جوان در بکارگیری این استعدادها به تنوعات زیادی دست

می‌زند و گویی می‌خواهد در همه زمینه‌ها خود را آزمایش کند. تفاوت های فردی در این مرحله به بیشترین حد خود ظاهر می‌گردد.

۶ - حالات هیجانی - حالات هیجانی در این دوره به اوج خود می‌رسد. فقدان کنترل روی حالات خود، عدم ثبات و تغییر ناگهانی (مثلاً تغییر حالت از شعف به نومیدی و یا برعکس) و شدت این حالات از اهم مشخصات هیجانی این دوره است جوان در این مرحله از حساسیت عاطفی فوق العاده زیادی برخوردارست و با اندک نامالایمتی دگرگون می‌شود و حالت خرده گیرانه و انتقادی زیادی به خود پیدا می‌کند.

البته این حالات عاطفی از ۱۸ سالگی به بعد حالت متعادل و یکنواخت و عادی به خود می‌گیرد.

۷ - حالت بلندی پروازی و خیالبافی - جوان در این دوره نیاز به الگویی به عنوان یک الگوی کامل و خالی از عیب دارد و غالباً این الگو نقش یک قهرمان را برای او پیدا می‌کند. اگر در این دوره قهرمان های واقعی و اصیل برای جوان مطرح نگردد متأسفانه او بدنبال قهرمان های دروغی و کاذب می‌گردد و آنها را به عنوان یک انسان کامل و ایده آل شناسایی می‌کند. بنابراین بر معلمان و مربیان و والدین است که الگوها و قهرمان های واقعی و شایسته را برای جوان مطرح سازند و نمونه های انسان کامل را به او نشان دهند به عنوان مثال شخصیت علی (ع) برای پسر ها و شخصیت

فاطمه (س) برای دخترها باید در این دوره به شیوه های صحیح مطرح گردد تا این تشنگی جوان در این مرحله بطور کامل سیراب گردد. تبلیغات، رسانه های گروهی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون و سینماها در اشاعه این الگوها و قهرمان یابی برای جوان سهم بسیار عمده ای را برعهده دارند.

در راه رسیدن به این الگوها و قهرمانها، جوان ممکنست به حالت خیالبافی دست بزند و در این راه خود را غرق رویا و تخیلات سازد.

۸ - مشخصه دیگری که برای این دوره می‌توان ذکر کرد اینست که جوان که تا قبل از این بیشتر مورد حمایت دیگران و بزرگترها بوده است حال تمایل پیدا می‌کند که خود حامی و حمایت کننده های دیگران باشد و لذا در این دوره افراد ضعیف خصوصاً اگر در مرحله سنی پایین تر از او باشند مورد توجه جوان واقع می‌شوند تا آنها را مورد حمایت قرار دهد. این خصوصیت فی نفسه در وجود جوان بسیار مثبت و مفید می‌باشد و باید آنرا در مسیر کمک به مستضعفان و حمایت از هم نوعان جهت داد ولی گاه ممکنست هر فرد و یا گروهی که به نوعی ضعیف انگاشته شده از حمایت جوان برخوردار گردد و این احساس عاطفی ظریف را در او برانگیزاند.

۱ - منظور از گروه در اینجا اجتماع رفقا و دوستان می‌باشد و منظور، احزاب سیاسی نمی‌باشند.